

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری با معیارهای حرفه حسابرسی

دکتر فرهاد دهدار^۱

جواد زارعی^۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش ارزیابی میزان انطباق بین مهارت‌های فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی حسابداری و معیارهای مورد نیاز برای حرفه حسابرسی است. هدف یاد شده بوسیله سه فرضیه اصلی در سه طبقه مهارت عمومی و شخصی، اداری و مدیریتی و تخصصی و حرفه‌یی و سی پرسش فرعی مورد آزمون واقع شده است. جامعه آماری تحقیق شامل سه گروه، استادان دانشگاه، حسابرسان و دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری است. این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی از شاخه میدانی است و روش گردآوری مباحث نظری آن کتابخانه‌یی بوده و داده‌های آن به صورت نمونه گیری از جامعه بزرگتر به وسیله پرسشنامه (با استفاده از طیف ۵ رتبه‌یی لیکرت) بدست آمده است. همچنین در این تحقیق از آزمون‌های کروسکال والیس و تحلیل واریانس جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. نتایج بدست آمده برای فرضیه‌های تحقیق بیانگر آن است که بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سه دسته مهارت‌های ذکر شده فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی حسابداری با معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه حسابرسی تفاوت معناداری وجود ندارد.

۱- دکترای حسابداری از دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری از دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد همدان

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های فارغ التحصیلان حسابداری، معیارهای حرفه حسابرسی، میزان انطباق، ارزیابی انطباق، حرفه حسابرسی

مقدمه

در جوامع پیشرفته، رشته‌های تحصیلی مختلف حاصل تعامل عرصه‌های تجربی و محیط‌های آموزشی هستند. پیوستگی این ارتباط تا بدانجاست که آخرین دستاوردهای علمی و تحقیقاتی ریشه در نیازهای عملیاتی علوم دارد و استفاده‌کنندگان از علوم و تخصص‌ها در رابطه تنگاتنگی با محیط آموزشی، وظیفه‌ی بازآموزی علوم و دانش را بر عهده دارند. این ارتباط تنگاتنگ باعث می‌شود که هم کیفیت فن‌آوری و عملیات در یک فرایند مستمر و رو به بهبود باشد و هم محیط‌های آموزشی مدل‌های علمی و کوچک شده‌ای از عملیات فرض شوند و دانش‌آموخته در چنین محیط‌هایی آمادگی لازم و کافی را در جهت برقراری ارتباط بین دانسته‌های تئوریک و عرصه‌های عملی در زمان کوتاه را داشته باشد. در کشور ما بحث جدایی محیط‌های آموزشی و عرصه‌های تجربی و ارتباط کافی بین این دو به یک باور غالب تبدیل شده است. تا جایی که از دید فعالان تجربی، شئون و درجات علمی دانش‌آموختگان به راحتی پذیرفته نمی‌شود و دانش‌آموختگان خود نیز بر این ضرورت باور دارند که باید دورانی را صرف انباشت تجربی مطالبی نمایند که جایگاه بیشتر آن‌ها علی‌القاعده در متون آموزشی است. در این تحقیق سعی شده است تا زوایایی از این مسئله از دیدگاه سه گروه دانشجویان کارشناسی ارشد، حسابرسان و استادان حسابداری مورد بررسی و آزمون قرار گیرد.



طرح تحقیق

بیان مسئله: از جمله مسائل اساسی و زیر بنایی نظام آموزش حسابداری کشور ما مسئله نبود انطباق بین آموخته‌های فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته حسابداری با معیارهای مورد انتظار برای ورود به حرفه حسابرسی است. این مسئله غالباً به صورت واکنش‌های خبرگان حسابداری به تعاملات در حوزه‌های رفتاری و تخصصی، توجه به اخلاق حرفه‌یی و توانایی دانش فنی بروز می‌کند. مهمترین مسئله‌ای که امروزه سازمان‌ها و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با آن روبرو هستند، این است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قادر به انجام عملیات حسابداری در محیط کار نیستند. اکثر دانش‌آموختگان حسابداری بر این باورند که متون درسی آموخته شده در بخش اجرایی حرفه حسابداری بصورت کامل پاسخگو است، همچنین از دیدگاه فعالان حرفه حسابرسی نیز دانش‌آموختگان پتانسیل کافی برای ورود به این حرفه را ندارند و دوره کارآموزی آن‌ها به جای صرف شدن در انباشت تجربه، صرف آموزش مطالب نانوشته در متون درسی می‌شود. وجود این فاصله احتمالی میان محیط دانشگاه و محیط کار، ممکن است بیانگر آن باشد که استادان دانشگاه آخرین روش‌ها و مفاهیم حسابداری و حسابرسی را آموزش نمی‌دهند و فارغ‌التحصیلان هنگام مواجه شدن با مفاهیم جدید در محیط کار به مشکل برخورد می‌کنند و گاهی هم دانشجویان مفاهیم و روش‌های جدید را در دانشگاه آموزش می‌بینند ولی در محیط کار از روش‌های سنتی حسابداری استفاده می‌شود. در قبال چنین مشکلاتی دانشجویان باید به نحوی آموزش داده شوند که برای خدمت در سازمان‌ها آماده شوند. در این تحقیق در صدد کشف زوایایی از وجود یا عدم وجود انطباق بین مهارت‌های فارغ‌التحصیلان و معیارهای لازم برای حرفه از دیدگاه فعالان حرفه حسابرسی، استادان و دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حسابداری بوده‌ایم. به همین منظور از طریق مطالعه، مصاحبه و پرس‌وجو، برخی صفات و ویژگی‌های مورد انتظار برای ورود به حرفه حسابرسی استخراج گردیده و در ادامه بررسی شده است که آیا تفاوت معنی داری بین نظرات حسابرسان، استادان دانشگاه و دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حسابداری، درباره ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی رشته حسابداری برای حضور در حرفه حسابرسی وجود دارد یا خیر؟ سپس مهارت‌هایی که از نظر این سه گروه بیشترین و کمترین انطباق با نیازهای حرفه را دارند، مشخص شده‌اند البته یافتن پاسخ به این که در مکانیزم کلی آموزش و کنش و واکنش

درونی آن چه مشکلاتی وجود دارد؟ و چه راهکارهایی برای تغییر اجزای آن می توان پیشنهاد نمود؟، موضوع تحقیق دیگری است.

اهداف و ضرورت تحقیق: به طور کلی اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱- شناسایی وجود یا عدم وجود تفاوت معنی دار بین نظرات حسابرسان^۱، استادان حسابداری^۲ و دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حسابداری در مورد میزان انطباق بین مهارت های دانش آموختگان کارشناسی حسابداری و نیازهای حرفه حسابرسی.

۲- شناسایی نقاط ضعف و قوت فارغ التحصیلان اخیر در مقطع کارشناسی رشته حسابداری. نتایج حاصل از این تحقیق می تواند مورد توجه دانشجویان، حسابرسان، استادان حسابداری و همچنین برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد و آن ها را در زمینه های مختلف یاری رساند.

پیشینه تحقیق: پیرامون تحقیق حاضر، پژوهش های مشابه در زمینه آموزش و عمل حسابداری به شرح زیر انجام شده است:

عوض پور (۱۳۸۱)، در تحقیقی با عنوان بررسی فاصله انتظاراتی بین سیستم آموزشی حسابداری و نیازهای حرفه حسابرسی به بررسی این موضوع در بین جامعه حسابرسان پرداخت و به این نتیجه رسید که بین سیستم آموزشی حسابداری و نیازهای حرفه فاصله وجود دارد.

انجمن حسابداران رسمی آمریکا (۱۹۸۹)، در تحقیقی با عنوان بررسی نگرش اعضای انجمن نسبت به محتوای آموزشی دروس دانشگاهی به نتایج زیر دست یافته است؛

۱. مهمترین مسئله حسابداران رسمی در آموزش یا دانشگاه این واقعیت است که دانشگاه از حرفه جدا افتاده است.

۲. بیشتر تحقیق های حسابداری در زمان حاضر با دنیای واقعی حسابداری رابطه معقولی ندارند.

۳. اغلب مدرسان دانشگاه ها با افراد حرفه ای رابطه متقابل ندارند.

روبرت استرلینگ^۳ (۱۹۷۲)، در تحقیقی تحت عنوان تحقیقات، آموزش و عمل حسابداری به نتایج زیر دست یافته است؛

۱- فعالان حرفه حسابرسی با تجربه حداقل ۵ سال و رده حسابرس ارشد
۲- مدرسان حسابداری در دانشگاه های کشور با تجربه حداقل ۵ سال و با حداقل مدرک کارشناسی ارشد

1- Robert Sterling

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۵



۱. تحقیقات از آموزش و عمل فاصله گرفته است.
 ۲. آموزش و عمل با هم مطابقت دارند.
 ۳. وگنجاندن نتایج تحقیقات در کتب درسی جهت تحقیق مدار کردن کتاب‌های آموزشی لازم به نظر می‌رسد.
- فرضیه‌های تحقیق: در راستای اهداف این تحقیق سه فرضیه اصلی به صورت زیر طراحی شده است؛
- فرضیه اصلی اول:** بین نظرات سه گروه تحقیق درمورد میزان انطباق بین مهارت‌های عمومی و شخصی فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری با معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه حسابداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ویژگی‌های مورد نظر جهت آزمون این فرضیه به قرار زیر است که در واقع هر یک از آنها بعنوان یک فرضیه فرعی به شمار می‌آیند؛
۱. بین نظرات سه گروه تحقیق درمورد میزان انطباق مهارت‌های ارتباطی گفتاری و شنیداری^۱ فارغ‌التحصیلان با نیازهای حرفه حسابداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
 ۲. بین نظرات سه گروه تحقیق درمورد میزان انطباق مهارت ارتباطی نوشتاری^۲ فارغ‌التحصیلان با نیازهای حرفه حسابداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
 ۳. بین نظرات سه گروه تحقیق درمورد میزان انطباق سطح تفکر منطقی و همه‌جانبه، مبتنی بر واقعیات تجربی با در نظر گرفتن همه عوامل و احتمالات در یک موضوع با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
 ۴. بین نظرات سه گروه تحقیق درمورد میزان انطباق سطح آشنایی با روش‌های مکاتبات بازرگانی و مکالمات روز مره اداری به زبان‌های بین‌المللی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۲- مهارت گفتاری یعنی توانایی ارسال و دریافت موثر اطلاعات گفتاری و مهارت شنیداری یعنی شنیدن مطالب به همان صورتی که منظور گوینده بوده است

۳- یعنی توانایی فرد در صریح و واضح نوشتن بطوری که اگر فرد دیگری آن مطلب را بخواند همان برداشت را بکند که منظور نویسنده بوده است

۵. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با روش‌های ایجاد ارتباط و مذاکرات اثر بخش در جلسات رسمی و هدایت مذاکرات در جهت اهداف با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۶. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با روش‌های بیان موثر مطالب و طرح مسائل فنی و حرفه‌یی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۷. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی حاکم بر حرفه حسابرسی و تعامل آن با صاحبکار با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۸. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت ویژگی‌های فردی و روش‌های ارتباط و تعامل با همکاران و پرسنل صاحبکار در چارچوب ویژگی‌های روان شناختی و طبقه بندی شخصیتی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۹. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح توانایی ایجاد روابط اجتماعی و انسانی و سازمانی اثر بخش در چارچوب رابطه حسابرس و صاحبکار با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق بین مهارت‌های اداری و مدیریتی فارغ التحصیلان کارشناسی حسابداری با معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه حسابرسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نظر در این فرضیه شامل موارد زیر است که در واقع هر یک از آن‌ها بعنوان یک فرضیه فرعی به شمار می‌آیند؛

۱. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت سلسله مراتب و روابط سازمانی در چارچوب روابط با همکاران و صاحبکار با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۲. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت شیوه‌های مختلف مکاتبات و گزارش نویسی اداری اثر بخش با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح روش‌های مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی اثر بخش در موسسات حسابرسی و محیط سازمانی صاحبکاران با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۷ میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۷



۴. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت مبانی سازماندهی و تفویض اختیار در سازمان‌ها و ارتباط و اثر آن با عملیات حسابرسی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۵. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت لازم در خصوص ساختار سازمانی دولت، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و وظایف و ارتباط آن‌ها با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۶. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت لازم در خصوص ساختار مجلس، قوانین عمومی مادر، و قوانین کاربردی مالی و محاسباتی کشور با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۷. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت ساختار و ویژگی‌های اقتصادی و صنعتی کشور و مسائل مرتبط با آن با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. **فرضیه اصلی سوم:** بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق بین مهارت‌های تخصصی و حرفه‌یی فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری و معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه حسابرسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نظر در این فرضیه شامل موارد زیر است که در واقع هر یک از آن‌ها بعنوان یک فرضیه فرعی به شمار می‌آیند؛

۱. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح احاطه لازم بر قانون تجارت و موارد مربوط به شرکت‌های سهامی و سایر شرکت‌ها وظایف بازرس قانونی با نیازهای حرفه تفاوت معناداری وجود دارد.

۲. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح احاطه لازم بر قانون مالیات‌های مستقیم و موارد کاربردی آن در حسابداری شرکت‌ها و مالیات‌های تکلیفی و روش‌های برنامه‌ریزی و استفاده از تشویق‌های مالیاتی (به جای فرار مالیاتی) با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با مبانی اصلی رایانه و فناوری اطلاعات و سیستم‌های عامل، نرم افزارهای قابل استفاده در حسابداری نظیر آفیس و نرم افزارهای کاربردی دیگر با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۴. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق قدرت و توانایی قضاوت حرفه‌یی در مواجهه با مسائل مالی و حرفه‌یی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۵. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با روش‌های سنتی حسابداری و دفتر داری با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۶. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت آیین رفتار حرفه‌یی حاکم بر حرفه حسابرسی و تعامل آن با صاحبکار با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۷. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت روش‌های کارآ و اثر بخش برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۸. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت محیط‌های کنترلی بعنوان جزیی از ساختار کنترل‌های داخلی و ارتباط آن با عملیات حسابرسی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۹. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با شیوه‌های تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌های حسابداری بعنوان جزیی از ساختار کنترل‌های داخلی و ارتباط آن با عملیات حسابرسی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۱۰. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با چرخه عملیات در شرکت‌ها و رویه کنترلی بعنوان جزیی از ساختار کنترل‌های داخلی و ارتباط آن با عملیات حسابرسی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۱۱. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح درک عینی از اجزا سیستم حسابداری (فرمها و گردش آنها، دستورالعمل‌ها، فهرست حساب‌ها، آیین‌نامه‌ها و روال انجام عملیات، سطوح مجوزدهی و تفکیک وظایف و غیره) با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۱۲. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح شناخت شیوه‌های مختلف گزارش نویسی حرفه‌یی و استانداردهای مربوطه با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۱۳. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح درک کلیت صورت‌های مالی و اجزای تشکیل دهنده آن و همچنین ارتباط این اجزا با یکدیگر با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۹ میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۹



۱۴. بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق سطح آشنایی با استانداردها و تکنیک‌های حسابداری و حسابرسی با نیازهای حرفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

قلمرو تحقیق: در این تحقیق، قلمرو را می‌توان به سه بخش زیر تفکیک نمود:

الف. قلمرو مکانی: چارچوب مکانی تعیین شده در این تحقیق تعدادی از موسسات مورد تایید جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی و دانشگاه‌های کشور (دولتی و آزاد و سایر) است که در آن‌ها مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد حسابداری وجود دارد.

ب. قلمرو زمانی: با توجه به روش جمع‌آوری داده که از طریق پرسشنامه انجام می‌شود، قلمرو زمانی تحقیق سال ۱۳۸۹ است.

ج. با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها به شکل پرسشنامه‌یی و نوع تحقیق، از نظر کلی قلمرو زمانی دقیقی برای این تحقیق نمی‌توان در نظر گرفت.

روش تحقیق: این تحقیق، از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه تحقیق سه گروه‌اند. **گروه اول** استادان و اعضای هیات علمی رشته حسابداری دانشگاه‌های مختلف کشور که سابقه تدریس آن‌ها بیشتر از ۵ سال و حداقل مدرک آن‌ها کارشناسی‌ارشد در رشته حسابداری است. **گروه دوم** که درباره سطح مهارت‌های فارغ‌التحصیلان در عمل نظر می‌دهند، حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی با سابقه کار بیش از ۵ سال هستند. **گروه سوم** دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته حسابداری را شامل می‌شود.

در این تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است، بدین صورت که جامعه آماری را به سه گروه مساوی تقسیم کردیم و داده‌ها را از این سه گروه گردآوری نمودیم.

در این تحقیق، از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است. که براساس این فرمول حجم نمونه ۹۶ نفر می‌باشد. نگاره شماره ۱ وضعیت نمایندگان جامعه آماری را نشان می‌دهد.

نگاره: حجم نمونه و تعداد اعضای گروه‌های تحقیق

جمع	دانشجویان ارشد	حسابرسان	استادان دانشگاه	نمایندگان جامعه
۹۶	۳۲	۳۲	۳۲	حجم نمونه

روش گردآوری داده‌ها: در این تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا پرسشنامه‌ای تنظیم و روایی آن تعیین شد و جهت تعیین پایایی اولیه، تعداد ۱۷ پرسشنامه در اختیار نمونه‌های انتخاب شده از سه جامعه آماری تحقیق قرار گرفت. با جمع‌آوری و تعیین پایایی اولیه آن به روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۵۵، کل پرسشنامه‌ها طبق نگاره ۲ طی دو مرحله دیگر بین نمایندگان طیف‌های تحقیق توزیع گردید. نحوه پاسخگویی به پرسشنامه بدین صورت بود که پاسخ‌دهندگان می‌بایست ابتدا بخش مشخصات فردی را تکمیل و سپس در بخش بعدی نظر خود را در مورد میزان انطباق هریک از مهارت‌ها با نیازهای حرفه، بر روی یک طیف ۵ رتبه‌ای لیکرت (از ۱ "خیلی کم" تا ۵ "خیلی زیاد") با علامت ضربدر مشخص کنند. بر این اساس مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کنونی حسابداری از لحاظ میزان انطباق آن‌ها با معیارهای حرفه ارزیابی شد. لازم به ذکر است که اعتبار پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتیجه بدست آمده برای پرسشنامه برابر ۰/۹۲۰ بود و اعتبار بالای پرسشنامه را می‌رساند.

نگاره ۲: مراحل سه‌گانه توزیع پرسشنامه‌های ارسالی و دریافتی، بر حسب نمایندگان جامعه

جامعه و نماینده	دانشجویان ارشد		حسابرسان		استادان		تعداد کل پرسشنامه	تعداد کل پرسشنامه دریافتی	تعداد پرسشنامه صحیح
	ارسالی	دریافتی	ارسالی	دریافتی	ارسالی	دریافتی			
مرحله اول	۷	۷	۵	۵	۵	۵	۱۷	۱۷	۱۵
مرحله دوم	۲۸	۲۵	۲۸	۲۱	۲۸	۲۳	۸۴	۶۹	۶۲
مرحله سوم	۸	۷	۸	۶	۸	۷	۲۴	۲۰	۱۹
جمع	۳۹	۳۹	۳۲	۳۲	۳۵	۳۵	۱۲۵	۱۰۶	۹۶

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این تحقیق از مقیاس لیکرت برای سنجش داده‌ها استفاده شده است و روش‌های آماری قابل استفاده، شامل آمار توصیفی و استنباطی است. از آمار توصیفی برای تنظیم جدول فراوانی و رسم نمودارها استفاده شده و برای آزمون

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۱۱



فرضیه‌های فرعی، آزمون ناپارامتری کروسکال والیس و برای آزمون فرضیه‌های اصلی آزمون تحلیل واریانس به کار گرفته شده است.

نگاره ۳: نتایج تحلیل نظرات سه گروه

فرضیات فرعی مرتبط با فرضیه اصلی اول	سطح معنی داری	χ ^۲	سطح خطا	نتیجه آزمون (با احتمال ۹۵٪)
فرضیه فرعی اول	۰/۰۶۳۷	۰/۹۰۲	۰/۰۵	تایید H0
فرضیه فرعی دوم	۰/۱۷۳	۳/۵۱۰	۰/۰۵	تایید H0
فرضیه فرعی سوم	۰/۰۲۴	۷/۴۱۹	۰/۰۵	رد H0
فرضیه فرعی چهارم	۰/۲۸۴	۲/۵۱۸	۰/۰۵	تایید H0
فرضیه فرعی پنجم	۰/۰۸۹	۴/۸۴۶	۰/۰۵	تایید H0
فرضیه فرعی ششم	۰/۰۶۴	۵/۵۰۹	۰/۰۵	تایید H0
فرضیه فرعی هفتم	۰/۰۰	۱۶/۱۰۴	۰/۰۵	رد H0
فرضیه فرعی هشتم	۰/۰۵۵	۵/۷۹۴	۰/۰۵	تایید H0
فرضیه فرعی نهم	۰/۰۶۵	۵/۴۷۲	۰/۰۵	تایید H0

یافته‌های تحقیق

نتایج فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی اول در نگاره ۳ ارائه شده است. با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون کروسکال‌والیس طبق نگاره ۳ برای فرضیه‌های فرعی مرتبط با فرضیه اصلی اول، تفاوت یافت شده بین گروه‌های تحقیق برای دو مهارت ۳ و ۷ مشهود است که این مهارت‌ها عبارتند از: مهارت ۳. داشتن تفکر منطقی و همه جانبه، مبتنی بر واقعیات تجربی با در نظر گرفتن همه عوامل و احتمالات در یک موضوع. و مهارت ۷. ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی حاکم بر حرفه حسابرسی و تعامل آن با صاحبکار.

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۱۳

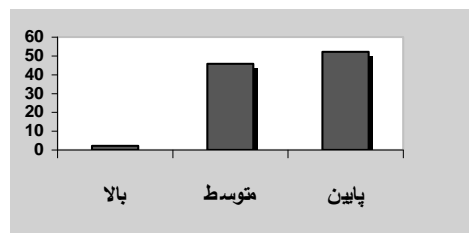


نتیجه فرضیه اصلی اول

۱. آمار توصیفی:

نگاره ۴: فرضیه اصلی اول

فرضیه اصلی ۱	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
پایین	۵۰	۵۲,۱	۵۲,۱	۵۲,۱
متوسط	۴۴	۴۵,۸	۴۵,۸	۹۷,۹
بالا	۲	۲,۱	۲,۱	۱۰۰
جمع	۹۶	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار ۱. فرضیه اصلی اول

نگاره ۴ نشان می‌دهد که سطح انطباق مهارت‌های عمومی و شخصی فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی حسابداری از نظر ۵۲,۱ درصد از نمونه، پایین و از نظر ۴۵,۸ درصد از آن‌ها متوسط و از نظر ۲,۱ درصد از آن‌ها بالا است. و براین اساس می‌توان گفت که این مهارت فقط از نظر ۲,۱ درصد پاسخ دهندگان با معیارهای حرفه حسابرسی انطباق دارد.

۲. آمار استنباطی: برای آزمون مقایسه میانگین‌های نظرات سه گروه از میزان انطباق مهارت‌های عمومی و شخصی فارغ‌التحصیلان با معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه

حسابرسی، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که خلاصه آن در نگاره شماره ۵ ارائه شده است.

نگاره ۵: نتیجه آزمون آنالیز واریانس برای فرضیه اصلی اول

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
تأیید H0	۰/۱۵۷	۱/۸۸۹	۲۲/۲۶۰	۲	۴۴/۵۲۱	بین گروهی ^۱
			۱۱/۷۸۵	۹۳	۱۰۹۵/۹۶۹	درون گروهی ^۲
				۹۵	۱۱۴۰/۴۹۰	کل

بر اساس نتایج حاصل، با توجه به مقدار آماره F و نیز مقدار سطح معنی داری (۰/۱۵۷) که بزرگتر از ۰,۰۵ است. فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان رد شده و فرض H0 تایید می‌شود، یعنی بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق مهارت‌های عمومی و شخصی فارغ التحصیلان با معیارهای مورد نیاز حرفه حسابرسی تفاوت معنی داری وجود ندارد. جدول ۶ نیز بیانگر آزمون دانکن^۳ است که با توجه به نتایج این آزمون بین نظرات سه گروه تحقیق تفاوتی معنی دار وجود ندارد و بیشترین امتیاز مربوط به دانشجویان کارشناسی ارشد است.

نگاره ۶: نتیجه آزمون دانکن (Duncan) برای فرضیه اصلی اول

گروهها	تعداد	$\alpha = 0,05$
حسابرسان	۳۲	۲۲/۱۸۷۵
استادان	۳۲	۲۳/۱۸۷۵
دانشجویان ارشد	۳۲	۲۳/۸۴۳۸
سطح معنی داری		۰/۰۷۰

-
- 1- Between Groups
 - 2- Within Groups
 - 3- Duncan

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۱۵



در ادامه با توجه به رتبه میانگین آن دسته از مهارت‌های شخصی و عمومی فارغ‌التحصیلان که از دیدگاه سه گروه تحقیق بیشترین و کمترین انطباق را با معیارهای حرفه حسابرسی دارند به ترتیب در نگاره ۷ خلاصه شده‌است. ضمناً بیشترین رتبه در هر گروه به عنوان قوی‌ترین و کمترین رتبه به عنوان ضعیف‌ترین مهارت طبقه بندی شده‌است.

نگاره ۷: نظرات سه گروه تحقیق درباره بیشترین و کمترین میزان انطباق مهارت‌های عمومی و شخصی فارغ‌التحصیلان

استادان		حسابرسان		دانشجویان ارشد	
کمترین انطباق	بیشترین انطباق	کمترین انطباق	بیشترین انطباق	کمترین انطباق	بیشترین انطباق
مهارت ۸	مهارت ۹	مهارت ۷	مهارت ۹	مهارت ۹	مهارت ۷

نتایج فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی دوم

نگاره ۸: نتایج تحلیل نظرات سه گروه از میزان انطباق مهارت‌ها با معیارهای حرفه حسابرسی

نتیجه آزمون (با احتمال ۰/۰۵)	سطح خطا	χ^2	سطح معنی داری	فرضیات فرعی مرتبط با فرضیه اصلی دوم
H0 تایید	۰/۰۵	۳/۷۲۶	۰/۱۵۵	فرضیه فرعی اول
H0 تایید	۰/۰۵	۲/۶۸۰	۰/۲۶۲	فرضیه فرعی دوم
H0 تایید	۰/۰۵	۳/۹۲۵	۰/۱۴۰	فرضیه فرعی سوم
H0 رد	۰/۰۵	۸/۸۳۵	۰/۰۱۲	فرضیه فرعی چهارم
H0 تایید	۰/۰۵	۳/۶۱۰	۰/۱۶۴	فرضیه فرعی پنجم
H0 تایید	۰/۰۵	۳/۳۹۶	۰/۱۸۳	فرضیه فرعی ششم
H0 تایید	۰/۰۵	۰/۴۸۶	۰/۷۸۴	فرضیه فرعی هفتم

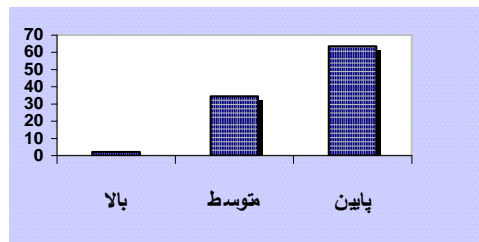
با توجه به یافته‌های آزمون کروسکال‌والیس طبق نگاره شماره ۸ برای فرضیه‌های فرعی مرتبط با فرضیه اصلی دوم، این تفاوت معنی‌دار در مهارت ۴، یعنی "شناخت مبانی سازماندهی و تفویض اختیار در سازمان‌ها و ارتباط و اثر آن با عملیات حسابرسی" تفاوت معنی‌دار مشاهده می‌شود.

نتیجه فرضیه اصلی دوم

۱. آمار توصیفی:

نگاره ۹: فرضیه اصلی دوم

فرضیه اصلی ۲	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
پایین	۶۱	۶۳,۵	۶۳,۵	۶۳,۵
متوسط	۳۳	۳۴,۴	۳۴,۴	۹۷,۹
بالا	۲	۲,۱	۲,۱	۱۰۰
جمع	۹۶	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار ۲: فرضیه اصلی دوم

نگاره ۹ نشان می‌دهد که سطح انطباق مهارت‌های اداری و مدیریتی فارغ التحصیلان دوره کارشناسی حسابداری از نظر ۶۳,۵ درصد از نمونه، پایین و از نظر ۳۴,۴ درصد از آن‌ها متوسط و از نظر ۲,۱ درصد از آن‌ها بالا است و براین اساس می‌توان گفت که این مهارت فقط از نظر ۲,۱ درصد پاسخ دهندگان با معیارهای حرفه حسابرسی انطباق دارد.

۲. آمار استنباطی: برای آزمون مقایسه میانگین‌های نظرات سه گروه از میزان انطباق مهارت‌های اداری و مدیریتی فارغ التحصیلان با معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه حسابرسی، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که خلاصه آن در نگاره شماره ۱۰ ارائه شده است.

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۱۷



نگاره ۱۰: نتیجه آزمون تحلیل واریانس برای فرضیه اصلی دوم

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
H0 تایید	۰/۱۹۷	۱/۶۵۱	۱۶/۴۴۸	۲	۳۲/۸۹۶	بین گروهی ^۱
			۹/۹۶۳	۹۳	۹۲۶/۵۹۴	درون گروهی ^۲
				۹۵	۹۵۹/۴۹۰	کل

بر اساس نتایج حاصل و با توجه به مقدار آماره F و نیز مقدار سطح معنی داری (۰/۱۹۷) که بزرگتر از ۰,۰۵ است. لذا با ۹۵ درصد اطمینان فرض تحقیق رد شده و فرض H0 تایید می‌شود، یعنی بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق مهارت‌های اداری و مدیریتی فارغ‌التحصیلان با معیارهای مورد نیاز حرفه حسابرسی تفاوت معنی داری وجود ندارد. نگاره ۱۱ نیز بیانگر نتایج آزمون دانکن است که با توجه به این آزمون نیز بین نظرات سه گروه تحقیق تفاوتی معنی دار وجود ندارد و بیشترین امتیاز مربوط به استادان است.

نگاره ۱۱: نتیجه آزمون دانکن (Duncan) برای فرضیه اصلی اول

گروهها	تعداد	$\alpha = 0,05$
حسابرسان	۳۲	۱۶/۷۵۰۰
دانشجویان ارشد	۳۲	۱۷/۹۰۶۳
استادان	۳۲	۱۸/۰۶۲۵
سطح معنی داری		۰/۱۲۰

با توجه به رتبه میانگین آن دسته از مهارت‌های اداری و مدیریتی فارغ‌التحصیلان، که از دیدگاه سه گروه تحقیق بیشترین و کمترین انطباق را با معیارهای مورد نیاز حرفه حسابرسی

1- Between Groups

2 -Within Groups

دارند به ترتیب در نگاره ۱۲ خلاصه شده است. ضمناً بیشترین رتبه در هر گروه به عنوان قوی‌ترین و کمترین رتبه به عنوان ضعیف‌ترین مهارت طبقه بندی شده است.

نگاره ۱۲: نظرات سه گروه تحقیق درباره بیشترین و کمترین میزان انطباق مهارت‌های اداری و

مدیریتی

فارغ التحصیلان

استادان		حسابرسان		دانشجویان ارشد	
کمترین انطباق	بیشترین انطباق	کمترین انطباق	بیشترین انطباق	کمترین انطباق	بیشترین انطباق
مهارت ۴	مهارت ۱	مهارت ۴	مهارت ۷	مهارت ۵	مهارت ۴

نتایج فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی سوم

نگاره ۱۳: نتایج تحلیل نظرات سه گروه از میزان انطباق مهارت‌ها با معیارهای حرفه حسابرسی

نتیجه آزمون (با احتمال ۰/۰۵)	سطح خطا	χ ^۲	سطح معنی داری	فرضیات فرعی مرتبط با فرضیه اصلی سوم
رد H0	۰/۰۵	۱۵/۴۸۷	۰/۰۰	فرضیه فرعی اول
تایید H0	۰/۰۵	۰/۴۹۷	۰/۷۸۰	فرضیه فرعی دوم
تایید H0	۰/۰۵	۴/۸۲۶	۰/۰۹۰	فرضیه فرعی سوم
تایید H0	۰/۰۵	۵/۳۱۲	۰/۰۷۰	فرضیه فرعی چهارم
تایید H0	۰/۰۵	۲/۰۹۰	۰/۳۵۲	فرضیه فرعی پنجم
تایید H0	۰/۰۵	۱/۰۱۰	۰/۶۰۴	فرضیه فرعی ششم
رد H0	۰/۰۵	۱۹/۰۹۲	۰/۰۰	فرضیه فرعی هفتم
رد H0	۰/۰۵	۷/۷۳۵	۰/۰۲۱	فرضیه فرعی هشتم
تایید H0	۰/۰۵	۳/۱۶۱	۰/۲۰۶	فرضیه فرعی نهم
تایید H0	۰/۰۵	۲/۸۲۴	۰/۲۴۴	فرضیه فرعی دهم
رد H0	۰/۰۵	۱۷/۶۰۱	۰/۰۰	فرضیه فرعی یازدهم
تایید H0	۰/۰۵	۳/۳۸۰	۰/۱۸۴	فرضیه فرعی دوازدهم
رد H0	۰/۰۵	۶/۸۱۲	۰/۰۳۳	فرضیه فرعی سیزدهم
تایید H0	۰/۰۵	۰/۸۱۴	۰/۶۶۶	فرضیه فرعی چهاردهم

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۱۹



با توجه به نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس طبق نگاره شماره ۱۳ برای تک تک فرضیه‌های فرعی مرتبط با فرضیه اصلی سوم تفاوت معنی‌دار بین نظرات سه گروه در مهارت‌های زیر مشاهده می‌شود؛

مهارت ۱- احاطه لازم بر قانون تجارت و موارد مربوط به شرکت‌های سهامی و سایر شرکت‌ها و وظایف بازرسی قانونی.

مهارت ۷- شناخت روش‌های کارآ و اثر بخش برنامه ریزی عملیات حسابداری.

مهارت ۸- شناخت محیط‌های کنترلی بعنوان جزئی از ساختار کنترل‌های داخلی و ارتباط آن با عملیات حسابداری.

مهارت ۱۱- درک عینی از اجزا سیستم حسابداری.

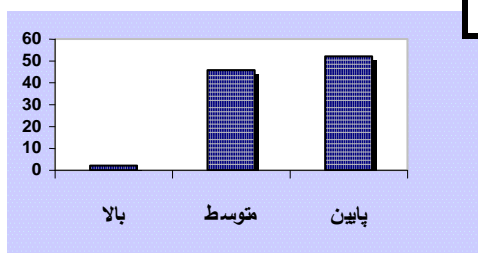
مهارت ۱۳- درک کلیت صورت‌های مالی و اجزای تشکیل دهنده آن و همچنین ارتباط این اجزا با یکدیگر.

نتیجه فرضیه اصلی سوم

۱. آمار توصیفی:

نگاره ۱۴. فرضیه اصلی سوم

فرضیه اصلی ۳	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
پایین	۵۰	۵۲,۱	۵۲,۱	۵۲,۱
متوسط	۴۴	۴۵,۸	۴۵,۸	۹۷,۹
بالا	۲	۲,۱	۲,۱	۱۰۰
جمع	۹۶	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار ۳. فرضیه اصلی سوم

نگاره ۱۴ نشان می‌دهد که سطح انطباق مهارت‌های تخصصی و حرفه‌یی فارغ التحصیلان دوره کارشناسی حسابداری از نظر ۵۲,۱ درصد از نمونه، پایین و از نظر ۴۵,۸ درصد از آن‌ها متوسط و از نظر ۲,۱ درصد از آن‌ها بالا است و براین اساس می‌توان گفت که این مهارت فقط از نظر ۲,۱ درصد پاسخ دهندگان با معیارهای حرفه حسابرسی انطباق دارد.

۲. آمار استنباطی: در ادامه تحقیق، برای آزمون مقایسه میانگین‌های مهارت‌های تخصصی و حرفه‌یی حسابرسی فارغ التحصیلان از دیدگاه سه گروه تحقیق در این تحقیق از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که خلاصه آن در نگاره شماره ۱۵ ارائه شده است.

نگاره ۱۵: نتیجه آزمون تحلیل واریانس برای فرضیه اصلی سوم

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
تایید H0	۰/۰۵۲	۳/۰۵۷	۹۸/۴۴۸	۲	۱۹۶/۸۹۶	بین گروهی ^۱
			۳۲/۲۰۴	۹۳	۲۹۹۴/۹۳۷	درون گروهی ^۲
				۹۵	۳۱۹۳/۸۳۳	کل

بر اساس نتایج حاصل، با توجه به مقدار آماره F و نیز مقدار سطح معنی داری (۰/۰۵۲) که بزرگتر از ۰,۰۵ است. با ۹۵ درصد اطمینان فرض تحقیق رد شده و فرض H0 تایید می‌شود، یعنی بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق مهارت‌های تخصصی و حرفه‌یی فارغ التحصیلان با معیارهای مورد نیاز حرفه حسابرسی تفاوت معنی داری وجود ندارد. نگاره ۱۶ نیز بیانگر نتایج آزمون دانکن^۳ است که با توجه به این آزمون بین نظرات سه گروه تحقیق تفاوتی معنی دار وجود ندارد و بیشترین امتیاز مربوط به دانشجویان کارشناسی ارشد است.

-
- 1- Between Groups
 - 2- Within Groups
 - 3- Duncan

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۲۱



نگاره ۱۶: نتیجه آزمون دانکن برای فرضیه اصلی سوم

$\alpha = 0,05$		تعداد	گروه‌ها
۲	۱		
	۳۳/۹۶۸۸	۳۲	حسابرسان
۳۴/۶۲۵۰	۳۴/۶۲۵۰	۳۲	استادان
۳۷/۲۸۱۳		۳۲	دانشجویان ارشد
۰/۰۶۴	۰/۶۴۵		سطح معنی داری

با توجه به رتبه میانگین آن دسته از مهارت‌های تخصصی و حرفه‌یی فارغ‌التحصیلان که از دیدگاه سه گروه تحقیق بیشترین و کمترین انطباق را با معیارهای مورد نیاز حرفه حسابداری دارند به ترتیب در نگاره ۱۷ خلاصه شده است. ضمناً بیشترین رتبه در هر گروه به عنوان قوی‌ترین و کمترین رتبه به عنوان ضعیف‌ترین مهارت طبقه بندی شده است.

نگاره ۱۷: نظرات سه گروه تحقیق درباره بیشترین و کمترین میزان انطباق مهارت‌های تخصصی و حرفه‌یی فارغ‌التحصیلان

استادان		حسابرسان		دانشجویان ارشد	
کمترین انطباق	بیشترین انطباق	کمترین انطباق	بیشترین انطباق	کمترین انطباق	بیشترین انطباق
مهارت ۱۰	مهارت ۱۴	مهارت ۱	مهارت ۳	مهارت ۳	مهارت ۷

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این تحقیق بررسی شد که آیا بین نظرات سه گروه، دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری، حسابرسان^۱ و استادان^۲ در مورد میزان انطباق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی حسابداری و معیارهای مورد نیاز برای ورود به حرفه حسابرسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟ لذا، مهارت‌های فارغ‌التحصیلان در سه دسته عمومی و شخصی، اداری و مدیریتی و تخصصی و حرفه‌یی معین و پس از ارسال پرسشنامه به گروه‌های تحقیق و جمع‌آوری نظرات در مورد میزان انطباق بین مهارت‌های خاص فارغ‌التحصیلان با معیارهای حرفه حسابرسی، فرضیه‌های فرعی با استفاده از آزمون کروسکال والیس و فرضیه‌های اصلی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به طور کلی تفاوت معناداری بین نظرات سه گروه تحقیق در مورد میزان انطباق وجود نداشت و گروه‌های تحقیق عقیده داشتند که مهارت‌های فارغ‌التحصیلان دارای کمترین انطباق با نیازهای حرفه بوده و حسابرسان در کل کمترین امتیاز را برای میزان انطباق مهارت‌ها با نیازهای حرفه قائل بودند. به این معنی که سطح مهارت‌های فارغ‌التحصیلان نظر فعالان حرفه را تأمین نمی‌کند، لذا لازم است که در برخی زمینه‌ها تجدید نظرهایی در رابطه با شیوه آموزش دانشجویان دوره کارشناسی صورت گیرد و جنبه‌های عملی آموزش نیز به صورت جدی‌تر مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به مسئولیت خطیر حرفه حسابرسی که تأیید اطلاعات و گزارش‌های مالی برای عموم را برعهده دارد لازم است برخی مطالب، از جمله آموزش شیوه‌های مختلف گزارش نویسی حرفه‌یی و ... به محتوای دروس دوره کارشناسی اضافه شود تا دانشجویان از هر جهت توانایی فعالیت مطلوب در حرفه را پیدا کنند.

دلیل اصلی عدم انطباق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان حسابداری با معیارهای مورد نیاز حرفه حسابرسی در فرضیه‌های اصلی اول و دوم، دریافت تئوریک مباحث حسابداری و قوانین در دانشگاه و عدم ارتباط با فضای کاربردی است و در مورد فرضیه سوم در قوانین مالیاتی و تجاری و مباحث تئوریک که مطابق با عمل باشد مشکل سرفصل وجود ندارد، بلکه مشکل اصلی در این است که دانشجویان بعد از طی حداقل چهار ترم تحصیلی بخشی از ساعات تحصیل را باید در فضای تجربی و حرفه‌یی صرف نمایند تا بعد از اتمام دوره کارشناسی قادر باشند از اندوخته‌های تحصیلی در فضای کاربرد با حداقل فاصله استفاده نمایند. ضمناً مطلب قابل توجهی که راجع به امر آموزش می‌توان عنوان نمود اینست که استادان مشغول به

۱- فعالان در حرفه حسابرسی با تجربه بیش از ۵ سال

۲- مدرسین رشته حسابداری با تجربه بیش از ۵ سال

میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی حسابداری... ۲۳



تدریس دروس حسابداری باید خود دارای سابقه مفید اجرایی و کاربردی حسابداری و حسابرسی (ترجیحاً حسابرسی) باشند و با سیستم‌های مختلف در عمل آشنا شده باشند.

پیشنهادها

بر اساس نتایج تحقیق علاوه بر پیشنهادهای ضمنی بحث نتیجه‌گیری، پیشنهادهای زیر برای ارتقای میزان تطابق مهارت‌های فارغ‌التحصیلان حسابداری معیارهای حرفه حسابرسی ارائه می‌شود:

۱. تطابقی بین محتوای دروس دوره کارشناسی حسابداری با نیازهای عملی حرفه حسابرسی و حسابداری صورت گیرد.
۲. دلایل ضعف مهارت‌های فارغ‌التحصیلان با ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود وضعیت آموزش حسابداری در ایران بررسی شود.
۳. در صورت امکان، مقایسه‌ای بین وضعیت آموزشی رشته حسابداری در کشور ما با کشورهای پیشرفته در یک تحقیق ارائه شود.
۴. لزوم اضافه نمودن واحدهای درسی با عناوین مهارت‌های ارتباطی گفتاری، شنیداری و نوشتاری در سیستم آموزشی حسابداری ایران بررسی شود.
۴. در صورت امکان مقایسه‌ای بین تکنیک‌های مورد استفاده در نظام حرفه‌یی حسابداری و حسابرسی ایران و کشورهای پیشرفته صورت گیرد و همچنین تغییرات مورد نیاز در این تکنیک‌ها با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی، محیطی و... در ایران بررسی شود.
۵. مقایسه‌ای بین محتوای عملی دروس دوره کارشناسی حسابداری در ایران با کشورهای پیشرفته صورت گیرد.

منابع

- ۱- ارباب سلیمانی، عباس، نفری، محمود، (۱۳۷۸). «اصول حسابرسی»، انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۸۷، جلد اول، چاپ ششم.
- ۲- اعتمادی، حسین، فخاری، حسین، (۱۳۸۳). «تبیین نیازها و اولویتهای تحقیقاتی حسابداری، ارائه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل»، بررسیهای حسابداری، شماره ۳۵، صص ۲۷-۳۰.
- ۳- باقرزاده، سعید، (۱۳۷۹). «بررسی پایان نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، صص ۲۱-۱۶.
- ۴- عوض پور، شهراد، (۱۳۸۱). «فاصله انتظاراتی بین سیستم آموزشی حسابداری و نیازهای حرفه حسابرسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، فصل اول و دوم.
- ۵- نوروش، ایرج، (۱۳۷۲). «تحقیقی پیرامون تدوین برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری مناسب برای نیازهای حرفه حسابداری و حسابرسی در ایران»، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تهران.
- ۶- یزدانی، میر محمود، (۱۳۷۷). «بررسی اهمیت برخی ویژگیها (دانشها و مهارتها) جهت موفقیت در حرفه حسابداری و حسابرسی عمومی و نقش دانشگاهها در ایجاد این ویژگیها»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، صص ۲۶-۳۵.
- 7-American Accounting Association(AAA), (1986). Committee on the Future Structure ,Content, and Scope of Education, Future Accounting Education, Preparing for the Expanding Profession Issues in Accounting Education, Spring, pp.168-190.
- 8-Eugene F .Fama and Arthur B.Laffer, (1971). Information and Capital Markets, journal of business ,July, pp.289-298.
- 9-Whittington and pany, (1988). U.S.A, Principles of Auditing, 12th Edition.